



امدادهای غیبی

این مقاله، ادامه سلسله مقالات «جهاد در قرآن» نوشته حجة الاسلام والمسلمین طاهری خرم آبادی است که در اثر مشغله های فراوان چند ماه بتأخیر افتاد، و از این شماره ادامه آن به امت پاسدار اسلام تقدیم می شود. ■

جشود و ملائکه تأیید نمود و کفار و مشرکین که تا درب غار آمده بودند، از ورود به غار منصرف شدند و پیامبر پس از ایمنی از آنان هجرت خود را بسوی مدینه آغاز ساخت.

۳ - در آنجا که داستان جنگ حنین و فرار نمودن مسلمانان را از جنگ بیان می کند که توضیح آن قبلاً گذشت؛ می فرماید: «ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا» (۲۶ توبه) سپس خداوند فرو فرستاد آرامش خود را بر رسولش و بر مؤمنین و نازل نمود لشکرها را که نمی دیدی آنها را.

۴ - در سوره فتح پس از آنکه از فتح و نصرت الهی خیر می دهد، می فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُزَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِيَجُودَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ» (۴ سوره فتح)

او است آنکه فرو فرستاد آرامش و سکون را در دل های مؤمنین تا زیاد نماید ایمان آنها را و برای خداست لشکرها را آسمان و زمین.

داد و آن پیدا شدن صندوقی بود که سالها آنرا مفقود کرده بودند. این صندوق محل گذاشتن الواح تورات بوده است که در جنگها همراه بنی اسرائیل و پیشاپیش آنها قرار می گرفت و از آنروزی که آنرا گم کردند و از دست دادند با شکست مواجه شدند و در زمامداری طالوت همان صندوق را باز یافتند و وسیله ای برای تبعیت از حکومت طالوت گردید و هم طلیعه فتح و پیروزی قرار گرفت.

در اینجا قرآن این صندوق را چنین توصیف می فرماید: «إِنَّ آيَةَ مَلِكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ» نشانه حکومت و زمامداری او آنست که تابوت (صندوق) برای شما می آورد که در آن آرامشی از خدای شما است یعنی آرام بخش دل های شما است و دلهره ها و اضطراب ها را برطرف می سازد.

۲ - «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا» (۴۰ توبه)

این آیه مربوط به پیامبر است هنگامیکه در غار ثور، خداوند او را با

آرامش قلوب

نوع سوم از آیات گروه دوم، آیاتی است که امدادها و نصرت های الهی را با نازل ساختن سکینه (آرامش) بر دل های مؤمنین بیان فرموده است. این آیات در چند مورد نازل گردیده است:

۱ - در مورد بنی اسرائیل:

از جمله جریانات و داستانهای بنی اسرائیل، حکومت و زمامداری طالوت است از طرف خداوند بر آنان که پس از درخواست خود آنها برای مبارزه با دشمن و نجات از زبونی و ذلتی که در اثر ضعف و سستی برای آنها پیدا شده بود، خداوند طالوت را جهت سر و سامان دادن به آنها و رهبری و مبارزه با دشمن، زمامدار آنها فرمود: بنی اسرائیل ابتدا حکومت و صلاحیت او را زیر سؤال بردند و ایرادهائی می گرفتند تا آنکه خدا برای حکومت و زمامداریش آیه و نشانه ای قرار

۵ - «لقد رضی الله عن المؤمنین از بسا بیعتتک تحت الشجرة فعلم ما فی قلوبهم فانزل السکینه علیهم وانا بهم فتحاً قریباً» (۱۸ فتح)

این آیه بیعت مؤمنین را با پیغمبر در زیر درخت در حدیبیه بیان می کند، آنگاه که مشرکین از ورود به مکه برای انجام اعمال حج مانع شدند و مذاکرات بین دو طرف به نتیجه ای نرسیده بود و احتمال هر نوع خطر و حمله ای از جانب کفار می رفت با توجه به اینکه مؤمنین، اسلحه جنگ همراه خود نیاورده بودند و فقط آن مقداری که در مسافرت ها معمول بود از سلاح همراه داشتند.

در این حال بود که پیامبر برای استقامت و مبارزه با دشمن با آنان تجدید عهد فرموده و بیعت گرفت و خداوند رضایت و خشنودی خود را در این آیه از مؤمنین ابراز داشته و می فرماید: به تحقیق که خدا راضی گردید از مؤمنین آنگاه که با تو بیعت نمودند در زیر درخت پس دانست خداوند آنچه را که در دل های آنان بود لذا فرو فرستاد آرامش و سکون را بر آنان و فتح نزدیکی را نصیب آنان ساخت.

۶ - در سوره فتح هنگامی که مسئله صلح حدیبیه را مطرح می سازد، می فرماید:

«اذ جعل الذین کفروا فی قلوبهم الحمیه حمیه الجاهلیه فانزل الله سکینه علی رسوله وعلی المؤمنین والزمهم کلمة التقوی وکانوا احق بها واهلها وکان الله بکل شیء علیماً» (۲۶ فتح).

هنگامیکه آنها که کافر شدند، در دل های خود تعصب های زمان جاهلیت را قرار دادند این اشاره است به آن سرسختی که کفار در مورد نام خدا و رسول در صلح نامه از خود نشان دادند و حاضر نشدند که «بسم الله الرحمن الرحیم» نوشته شود و آنچه در جاهلیت مرسوم بود

که در نامه ها و قراردادهای می نوشتند، یعنی «باسمک اللهم» نوشتن آن اصرار نمودند و همچنین نگذاشتند کلمه رسول الله برای پیامبر نگاشته شود و همین موجب ناراحتی و اضطراب مؤمنین گردید لذا می فرماید: پس نازل ساخت خداوند آرامش و سکینه را بر رسولش و بر مؤمنین و آنها را همراه و ملازم کلمه تقوی قرار داد و سزاوار به تقوی و اهل آن بودند و خداوند بهر چیزی آگاه است.

در این شش موضع که اهل حق و جنود خدا با باطل و جنود شیاطین روبرو شده اند مسئله فرو فرستادن سکینه را بر دل های مؤمنین مطرح فرموده است. اکنون به بررسی معنای سکینه و منظور از آن در آیات فوق می پردازیم:

سکینه در لغت

سکینه از سکون است و سکون ضد حرکت است و در مورد سکون قلب بکار می رود که منظور از آن آرامش قلب و نداشتن اضطراب است.

عوامل اضطراب

لازم است عوامل اضطراب و نگرانی در انسان بررسی شود تا هم به مفهوم سکون و آرامش بهتری برسیم و هم راه جلوگیری از این عوامل شناخته شود و نیز مشخص شود که چه باید کرد تا بجای نگرانی و اضطراب، سکون و آرامش جایگزین گردد. و می توان عمده ترین عامل نگرانیها و اضطراب را در انسان، امور زیر دانست:

۱ - از مسواری که انسان دچار اضطراب و تزلزل می شود و سکون و آرامش را از دست می دهد، مسوود تصمیم گیری است. انسان هر فعلی که انجام می دهد اول آنرا تعقل و تصور می کند و سپس مصالح و فوائد و یا زیانها و مضامد آنرا می سنجد و تأثیر آنرا در

سعادت و خیر و صلاح خویش در نظر می گیرد و بعد به انجام آن دست می زند. این عمل فکری اگر با فطرت پاک و سالم انسانی انجام شود و در تشخیص نفع و ضرر آنچه را که نفع واقعی برای او دارد و سعادت حقیقی او را تأمین می کند، در نظر بگیرد، از یک نوع آرامش و سکون فکری برخوردار می شود و تزلزل و اضطراب فکری پیدا نمی کند. ولی اگر در زندگی فقط بر امور مادی تکیه کند و معیار صلاح و فساد برای او تنها مسائل مادی باشد و از هوی و هوس پیروی نماید، قوه خیال در فکرش تأثیر می گذارد و اموری را برای او جلوه می دهد و در نتیجه در تصمیم و عزمش دچار اضطراب و تردید می گردد، گذشته از اینکه ممکن است در تشخیص خود خطا و اشتباه کند و راه غلط را پیماید.

۲ - از عوامل اضطراب خوف از آینده و یأس و ناامیدی است. انسانی که مادی فکر می کند و به عالم پس از مرگ معتقد نیست همیشه از آینده خود نگران است زیرا مرگ در تصور او نابودی است و انسان با علاقه عجیبی که به زندگی دارد از آینده ای این چنین خائف خواهد بود و در نتیجه زندگی همیشه با اضطراب و دلهره همراه است.

۳ - نداشتن هدف یکی از عوامل مهم اضطراب و نگرانی است و با جهان بینی مادی، زندگی، بی هدف و بوج خواهد بود.

زیرا خلقت و آفرینش در این نوع از جهان بینی بی هدف و بی مقصد است و قهراً انسان هم که جزئی از آنست، هدف و مقصدی نخواهد داشت.

۴ - یکی دیگر از عوامل اضطراب، وحشتی است که در برخورد با حوادث طبیعی و یا غیرطبیعی مانند جنگ و نظائر آن دارد و چون معمولاً برای بیشتر این حوادث پیش بینی نمی توان کرد، همیشه

دچار اضطراب و ترس از حوادث پیش بینی نشده ای است که ممکن است حیات او را بخطر بیاندازد و یا زندگی را بر او تباہ سازد.

۵- روح مجرد و نامتناهی انسان با هیچ یک از مظاهر مادی این جهان ماده، سیر و اشباع نمی شود و بهیچ حد و مرتبه ای از آنچه را که می یابد و بآن می رسد قانع نیست و همیشه در صدد رسیدن به مرحله کاملتر و تازه تر از هر چیزی است. اگر در مقامی از مقامات و پست های مادی قرار گرفته است میل دارد مقام بالاتر از آنرا دارا باشد و اگر برای او امکان پذیر باشد در تلاش و تکاپو برای رسیدن بآن مقام می افتد و آنگاه که بمقصود رسید دیری نمی گذرد که هوس مقامی دیگر فوق آنرا می کند و همینطور... و اگر در پی جمع و گردآوری مال است تا آنجا که قدرت دارد می کوشد و اگر ثروت جهان را باو بدهند قانع نمی شود و باز فکر افزودن بر آنرا خواهد داشت.

و اگر در میدان هوسبازی و عیاشی افتاده است هیچ حد و مرزی جوابگوی خواسته ها و هوسهای او نخواهد بود. و این خود یکی از مهمترین عوامل نگرانی و اضطراب در انسان است زیرا همیشه در جستجوی یک گمشده ای است که بهر چیز و هر جا دست می زند گمشده خود را نمی یابد و هیچ چیز او را آرام نمی کند و از حرص و ولع باز نمی دارد؛

مانند گرسنه ای که هیچ غذایی او را سیر نکند و یا تشنه ای که هیچ آب خوشگوار و سردی او را سیراب نسازد؛ دائماً در اضطراب و نگرانی قرار دارد و رموز سر مطلب آنست که بشر در فطرت و آفرینش بگونه ای آفریده شده است که عاشق کمال غیر محدود و مطلق است و بهر چیزی که می رسد، او را کمال و معشوق خود می پندارد ولی می بیند که آن کمالی است محدود و ناقص و گرایش و میل فطری او بکمال، او را بسوی کمال مطلق و غیر محدود دائماً می کشاند و یک حرکت در درون او بوجود می آورد ولی بیچاره آدمی که در ناآگاهی و غفلت بسر می برد و نمی فهمد که گمشده اش کجا است و بهر جمال و زیبایی که دست می زند نمی بیند که زیباتری از آن هم وجود دارد و هر چیزی از یک بعد زیبا و دارای کمال است و او چیزی را طالب است که زیبای مطلق و کمال نامتناهی باشد و هر چه در این عالم، وجود و امکانش می یابد، زیبایی و کمال با نقص ها و فقدانها آمیخته و همراه است زیرا که همه هستی ها محدود و کمال هاست و هستی هستند که قهراً وجود آنها با نقصانها و فقدان کمالات دیگر توأم است. و اگر روزی با هدایت و راهنمایی بروئی و جهت دادن بحرکت و عشق درونی خود کمال مطلق و غیر محدود را یافت یعنی به خدای جهان و هستی مطلق و کانون نامرئی عالم پی برد

مسکن و خواب آور کمک می گیرند و در بیداری با افکار و آلام درونی خود در جنگ و ستیزند. بعضی برای اینکه ساعتی خوشتر را فراموش سازند و از کابوس هولناک نگرانی های درونی در امان باشند به پناه مشروبات الکلی و اعتیادهای خطرناک دیگری چون هروئین و دود می روند و عده ای هم در اثر فشارهای روحی تدریجاً مقاومت خود را از دست داده و سرانجام دچار بیماری روانی می شوند و دسته ای هم آنچنان درین بست فشارهای روحی قرار می گیرند که سرانجام عنان اختیار از کف می دهند و برای نجات خود دست به خودکشی می زنند و طبق پاره ای از

۱- در باره تابوت گفته شده است که همان صندوق بوده است که مادر موسی بموسی را در آن نهاد و در رود نیل افکند و بعد مورد احترام بنی اسرائیل بود و به آن تبرک می جستند و موسی هنگام وفاتش الواح تورات را و آنچه در نزد او بود از آیات و نشانه های نبوت در آن قرار داد و به وصی خود سپرد.

۲- چنانچه امروز انسان دنیای متمدن را همین نگرانی ها و اضطراب ها از پای درآورده است و بسیاری از بیماریهای روانی معلول همین اضطرابها و نگرانیها نیست که زائیده تفکر مادی انسان است. بعضی برای چند ساعت خواب و استراحت از قرصهای

آرامش و سکون بردل او حکم فرما می شود و این تنها راه آرام شدن انسان است و بس «الا بذكر الله تطمئن القلوب» (آگاه باشید که بیاد خدا دلها آرام می شود) و این همان معنای فطری بودن دین و خدا برای انسان است و انبیاء هم برای جهت دادن به این حرکت و میل فطری انسان و هدایت او برای پیدا نمودن گمشده اش مبعوث گردیده اند همانطور که امیرالمؤمنین «ع» در نهج البلاغه می فرماید: «فبعث فیهم رسلاً وواترالیهم انبیاءه یستأدوهم میثاق فطرته و یذکروهم منسى نعمته و یحتجوا علیهم بالتبلیغ و یثیروا لهم دفائن العقول» - پس برانگیخت در بین آنها (بشر) پیامبران خود را و آنها را پی در پی فرستاد تا عهد و میثاقی که فطری آنان بود طلب نمایند و نعمت فراموش شده را یادآوری نمایند و با رساندن و تبلیغ بر آنها استدلال نمایند و عقولهای نهفته و پنهان آنها را بیرون آورند و یکاراندازند (خطبه اول نهج البلاغه).

اینها عمده ترین عوامل نگرانی انسان است که با ایمان بخدا و باور کردن عالم پس از مرگ و حیات جاوداتی، همه آنها برطرف می شود و سکینه و آرامش بردل انسان مستولی می گردد زیرا تمامی این عوامل زائیده تفکر مادی و باور نداشتن واقعیتی غیر از عالم ماده و طبیعت است.^۲ ادامه دارد

آمارها در برخی از کشورهای غرب بطور متوسط در هر ۳۵ دقیقه یک نفر خودکشی و در هر دو دقیقه یک نفر دیوانه می شود.

حال این آمار صحیح یا غیر صحیح ولی آنچه مسلم است قربانیان اضطراب و نگرانی در دنیای مادی بطور سرسام آور رو به ازدیاد است و در مقایسه با کشورهای که تفکر الهی بر مردمش حکم فرما است قابل مقایسه نیست و در بین مردم خداپرست هم آن عده ای که بیشتر با خدا و عبادت سر و کار دارند و دل را با یاد او جلوه می دهند نگرانی کمتر و از آرامش بیشتری برخوردارند.